محمد مسجدجامعی در نشست بررسی ژئوپلیتیک جنگ غزه تشریح کرد

جهان از ادامه جنگ غزه چه نفعی می‌برد؟

فاطمه برجمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

بعد از ۷ اکتبر، معادلات منطقه خاورمیانه وارد مرحله‌ای جدید شد و سطح تحولات منطقه بسیار پیچیده شد تا جایی که حتی ایران هم ناچار شد به‌طور مستقیم، در این میدان دست به اقدام بزند و هر لحظه ممکن است شعله آتش در منطقه خاورمیانه بیشتر و سطح نبرد گسترده‌تر شود. درباره ژئوپلیتیک جنگ غزه، نشستی با حضور محمد مسجدجامعی، دانش‌آموخته دکتری ژئوپلیتیک از دانشگاه پیزای ایتالیا، برگزار شد. در این نشست مسجدجامعی به نظام بین‌الملل درحال‌گذار و ایده‌های آن، جنگ اوکراین، اهداف و روند تحولی، بحث راست‌گرایی دینی و آمریکایی، هندی و یهودی و همچنین شرایط در جهان عرب نسبت به فلسطینی‌ها و مردم غزه و تاثیرهای آن پرداخته است. متن کامل این نشست که با پرسش و پاسخ همراه بود را در ادامه می‌خوانید.

موضوع در باب ژئوپلیتیک جنگ غزه است. اگر بخواهیم درست‌تر بیان کنیم باید بگوییم ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیکی جنگ غزه چیست. خلاصه‌ای در باب مفهوم ژئوپلیتیک بیان کنم. به‌طور خیلی مختصر عناوینی که در علوم انسانی ازجمله در علوم سیاسی داریم، فسادبردار هستند. مثل جنگ، فیزیک یا بیولوژی نیست که عناوین کاملا ثابت هستند. در این حوزه عناوین کاملا فسادبردار هستند. درنتیجه موقعی که ما می‌گوییم ژئوپلیتیک در طی این حدود ۱۳۰-۱۲۰ سال‌که وجود دارد در مقاطع مختلف معانی کم‌وبیش متفاوتی داشته است، آنچه در حال حاضر بیشتر پذیرفته شده این است. موقعی که پدیده‌ای، مخصوصا پدیده سیاسی را با توجه به همه ابعاد و همه خصوصیاتی که آن جریان دارد و عواملی که به آن جریان شکل می‌دهد، بررسی می‌کنیم این مطالعه ژئوپلیتیک است. فرض کنید در حال حاضر مساله‌ای هم‌جون جنگ اوکراین را داریم. یک زمان این موضوع را در چهارچوب رقابت بین آمریکا و روسیه یا رقابت بین ناتو و روسیه می‌بینید و گاهی اوقات موضوع را با توجه به تمایلی که ناتو برای گسترش خود به‌ویژه در منطقه شرق اروپا ازجمله جنوب اروپا دارد، می‌بینید یعنی مساله را بیشتر سیاسی و به‌عنوانی سیاسی-امنیتی لحاظ می‌کنید. این مطالعه تا مقدار زیادی جواب می‌دهد اما اگر بخواهیم به‌طور کامل موضوع را ببینیم، این است که اصولا شرق و غرب جایی مثل اوکراین متفاوت است. شرق آن روسفید است و غرب آن اروپا قبل است. یعنی گرایش به اروپا مخصوصا لهستان دارد. این جریان تاریخی است حتی به لحاظ مذهبی هم اوکراین را تقسیم کرده است. در غرب اوکراین ما با کاتولیک‌ها مواجه هستیم و در شرق آن با ارتودکس هایی که تابع کلیسای مسکو هستند. حتی به لحاظ نژادی مردمی که در اینجا هستند بیشتر روس‌تبار یا سنتا بیرن روس و اوکراین هستند و آن جمعیتی که در غرب هستند به نوع دیگری هستند. در تاریخ، ناسیونالیست‌های اوکراینی با تئوراها و مخصوصا با رژیم کمونیستی در زمان استالین مشکل داشتند. کشش و واکنش هایی که اینها به هنگام آمدن مثلا در زمان استالین داشتند، کشش و واکنش هایی که اینها به هنگام آمدن مثلا در دهه‌ی سی مثلا داشتند. کشش و واکنش هایی که اینها به هنگام آمدن در ۱۹۹۱ در مدتی است. این جریان شرایط زمانه‌ها را مقدار قابل توجهی عوض کرده است. آنچه من اشاره می‌کنم تا قبل از بحران اخیر و مساله اوکشن را در مقابل تجاوز اسرائیل است. تقریبا در ۷ محور موضوع را بررسی خواهیم کرد. موضوع دقیقا اینها و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن برای جنگ غزه است. بنابراین درباره ابعاد و پیامدهای آن صحبت خواهم کرد. بعد می‌دهم دامه فرصت کنم حتی درباره نیمی از آن بدهد صحبت کنم. یک بحث‌هایی که اهمیت بیشتری دارد می‌پردازم و بعد در خدمت عزیزان خواهیم بود که اگر سوالی بود پاسخ دهیم.

چرا جنگ غزه ادامه پیدا کرد؟

بحث اول درباره این است که این جنگ علی‌رغم طوفان شدن، علی‌رغم وحشیانه بودن، عجیب است. در تاریخ معاصر جنگی به این کیفیت که در آن قتل‌عام انسی نعدد ان، کودک و خردسال، بیمارستان‌ها و نقاط غیرنظامی و حتی نقاطی که مربوط به کمک‌های انسان‌دوستانه است و تحمیل گرسنگی بر مردم، بی‌سابقه است. موقعی که مرد به معنای کامل بی‌دفاع و مرتب مورد بمباران هستند. بمباران مردم بی‌دفاع، غیرنسبت، منطقه غزه از نظر تراکم انسانی یکی از بالاترین تراکم‌های انسانی را در بین نقاط مختلف جهان دارد. این مقدار طوفانی که وجود وحشیانه‌ای که این اتفاق داده دادن و اینکه حتی توانلته جلوی آن را بگیرد و این جنگ به این کیفیت ادامه پیدا کرد، به‌دلیل است؟

درجهان دوقطبی بحران‌ها طولانی نمی‌شد

بخش‌ایلی که نکته مهمی است این است که این جنگ علی‌رغم طوفان شدن، علی‌رغم نکته‌ی‌های فوق‌العاده زیاد و علی‌رغم اینکه این کشته‌ها کلا غیرنظامی هستند، کودک و بیمار هستند، زن هستند، چرا ادامه یافته است؟ به‌طور خیلی خلاصه آنچه که امنیت را در سطح بین‌المللی یا منطقه‌ای حفظ می‌کند مربوط به نظامی می‌شود که در صحنه بین‌المللی شرق اروپا ازجمله جنوب اروپا دارد، می‌بینید یعنی مساله رایبشتر سیاسی و به‌عنوانی سیاسی-امنیتی لحاظ می‌کنیید. این مطالعه تا مقدار زیادی جواب می‌دهد اما اگر بخواهیم به‌طور کامل موضوع را ببینیم، این است که اصولا شرق و غرب جایی مثل اوکراین متفاوت است. شرق آن روسفید است و غرب آن اروپا فید است. یعنی گرایش به اروپا مخصوصا لهستان دارد. این جریان تاریخی است حتی به لحاظ مذهبی هم اوکراین را تقسیم کرده است. در غرب اوکراین ما با کاتولیک‌ها مواجه هستیم و در شرق آن با ارتودکس هایی که تابع کلیسای مسکو هستند. حتی به لحاظ نژادی مردمی که در اینجا هستند بیشتر روس‌تبار یا سنتا بیرن روس و اوکراین هستند و آن جمعیتی که در غرب هستند به نوع دیگری هستند. در تاریخ، ناسیونالیست‌های اوکراینی با تئوراها و مخصوصا با رژیم کمونیستی در زمان استالین مشکل داشتند. کشش و واکنش هایی که اینها به هنگام آمدن مثلا در دهه‌ی سی مثلا داشتند. کشش و واکنش هایی که اینها به هنگام آمدن در ۱۹۹۱ در مدتی است. این جریان شرایط زمانه‌ها را مقدار قابل توجهی عوض کرده است. آنچه من اشاره می‌کنم تا قبل از بحران اخیر و مساله اوکشن را در مقابل تجاوز اسرائیل است. تقریبا در ۷ محور موضوع را بررسی خواهیم کرد. موضوع دقیقا اینها و پیامدهای ژئوپلیتیکی برای جنگ غزه است. بنابراین درباره ابعاد و پیامدهای آن صحبت خواهم کرد. بعد می‌دهم دامه فرصت کنم حتی درباره نیمی از آن بدهد صحبت کنم. یک بحث‌هایی که اهمیت بیشتری دارد می‌پردازم و بعد در خدمت عزیزان خواهیم بود که اگر سوالی بود پاسخ دهیم.

چرا جنگ غزه ادامه پیدا کرد؟

بحث اول درباره این است که این جنگ علی‌رغم طوفان شدن، علی‌رغم وحشیانه بودن، عجیب است. در تاریخ معاصر جنگی به این کیفیت که در آن قتل‌عام انسی نعدد ان، کودک و خردسال، بیمارستان‌ها و نقاط غیرنظامی و حتی نقاطی که مربوط به کمک‌های انسان‌دوستانه است و تحمیل گرسنگی بر مردم، بی‌سابقه است. موقعی که مرد به معنای کامل بی‌دفاع و مرتب مورد بمباران هستند. بمباران مردم بی‌دفاع، غیرنسبت، منطقه غزه از نظر تراکم انسانی یکی از بالاترین تراکم‌های انسانی را در بین نقاط مختلف جهان دارد. این مقدار طوفانی که وجود وحشیانه‌ای که این اتفاق داده دادن و اینکه حتی توانلته جلوی آن را بگیرد و این جنگ به این کیفیت ادامه پیدا کرد، به‌دلیل است؟

درجهان دوقطبی بحران‌ها طولانی نمی‌شد

بخش‌ایلی که نکته مهمی است این است که این جنگ علی‌رغم طوفان شدن، علی‌رغم نکته‌ی‌های فوق‌العاده زیاد و علی‌رغم اینکه این کشته‌ها کلا غیرنظامی هستند، کودک و بیمار هستند، زن هستند، چرا ادامه یافته است؟ به‌طور خیلی خلاصه آنچه که امنیت را در سطح بین‌المللی یا منطقه‌ای حفظ می‌کند مربوط به نظامی می‌شود که در صحنه بین‌المللی شرق اروپا ازجمله جنوب اروپا دارد، می‌بینید یعنی مساله رایبشتر سیاسی و به‌عنوانی سیاسی-امنیتی لحاظ می‌کنیید. این مطالعه تا مقدار زیادی جواب می‌دهد اما اگر بخواهیم به‌طور کامل موضوع رابببینیم، این است که اصولا شرق و غرب جایی مثل اوکراین متفاوت است. شرق آن روسفید است و غرب آن اروپا فید است. یعنی گرایش به اروپا مخصوصا لهستان دارد. این جریان تاریخی است حتی به لحاظ مذهبی هم اوکراین را تقسیم کرده است. در غرب اوکراین ما با کاتولیک‌ها مواجه هستیم و در شرق آن با ارتودکس هایی که تابع کلیسای مسکو هستند. حتی به لحاظ نژادی مردمی که در اینجا هستند بیشتر روس‌تبار یا سنتا بیرن روس و اوکراین هستند و آن جمعیتی که در غرب هستند به نوع دیگری هستند. در تاریخ، ناسیونالیست‌های اوکراینی با تئوراها و مخصوصا با رژیم کمونیستی در زمان استالین مشکل داشتند. کشش و واکنش هایی که اینها به هنگام آمدن مثلا در دهه‌ی سی مثلا داشتند. کشش و واکنش هایی که اینها به هنگام آمدن در ۱۹۹۱ در مدتی است. این جریان شرایط زمانه‌ها را مقدار قابل توجهی عوض کرده است. آنچه من اشاره می‌کنم تا قبل از بحران اخیر و مساله اوکشن را در مقابل تجاوز اسرائیل است. تقریبا در ۷ محور موضوع را بررسی خواهیم کرد. موضوع دقیقا اینها و پیامدهای ژئوپلیتیکی برای جنگ غزه است. بنابراین درباره ابعاد و پیامدهای آن صحبت خواهم کرد. بعد می‌دهم دامه فرصت کنم حتی درباره نیمی از آن بدهد صحبت کنم. یک بحث‌هایی که اهمیت بیشتری دارد می‌پردازم و بعد در خدمت عزیزان خواهیم بود که اگر سوالی بود پاسخ دهیم.

چرا جنگ غزه ادامه پیدا کرد؟

بحث اول درباره این است که این جنگ علی‌رغم طوفان شدن، علی‌رغم وحشیانه بودن، عجیب است. در تاریخ معاصر جنگی به این کیفیت که در آن قتل‌عام انسی نعدد ان، کودک و خردسال، بیمارستان‌ها و نقاط غیرنظامی و حتی نقاطی که مربوط به کمک‌های انسان‌دوستانه است و تحمیل گرسنگی بر مردم، بی‌سابقه است. موقعی که مرد به معنای کامل بی‌دفاع و مرتب مورد بمباران هستند. بمباران مردم بی‌دفاع، غیرنسبت، منطقه غزه از نظر تراکم انسانی یکی از بالاترین تراکم‌های انسانی را در بین نقاط مختلف جهان دارد. این مقدار طوفانی که وجود وحشیانه‌ای که این اتفاق داده دادن و اینکه حتی توانلته جلوی آن را بگیرد و این جنگ به این کیفیت ادامه پیدا کرد، به‌دلیل است؟

موضوع در باب ژئوپلیتیک جنگ غزه است. اگر بخواهیم درست‌تر بیان کنیم باید بگوییم ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیکی جنگ غزه چیست. خلاصه‌ای در باب مفهوم ژئوپلیتیک بیان کنم. به‌طور خیلی مختصر عناوینی که در علوم انسانی ازجمله در علوم سیاسی داریم، فسادبردار هستند. مثل جنگ، فیزیک یا بیولوژی نیست که عناوین کاملا ثابت هستند. در این حوزه عناوین کاملا فسادبردار هستند. درنتیجه موقعی که ما می‌گوییم ژئوپلیتیک در طی این حدود ۱۳۰-۱۲۰ سال‌که وجود دارد در مقاطع مختلف معانی کم‌وبیش متفاوتی داشته است، آنچه در حال حاضر بیشتر پذیرفته شده این است. موقعی که پدیده‌ای، مخصوصا پدیده سیاسی را با توجه به همه ابعاد و همه خصوصیاتی که آن جریان دارد و عواملی که به آن جریان شکل می‌دهد، بررسی می‌کنیم این مطالعه ژئوپلیتیک است. فرض کنید در حال حاضر مساله‌ای هم‌جون جنگ اوکراین را داریم. یک زمان این موضوع را در چهارچوب رقابت بین آمریکا و روسیه یا رقابت بین ناتو و روسیه می‌بینید و گاهی اوقات موضوع را با توجه به تمایلی که ناتو برای گسترش خود به‌ویژه در منطقه شرق اروپا ازجمله جنوب اروپا دارد، می‌بینید یعنی مساله رایبشتر سیاسی و به‌عنوانی سیاسی-امنیتی لحاظ می‌کنیید. این مطالعه تا مقدار زیادی جواب می‌دهد اما اگر بخواهیم به‌طور کامل موضوع رابببینیم، این است که اصولا شرق و غرب جایی مثل اوکراین متفاوت است. شرق آن روسفید است و غرب آن اروپا فید است. یعنی گرایش به اروپا مخصوصا لهستان دارد. این جریان تاریخی است حتی به لحاظ مذهبی هم اوکراین را تقسیم کرده است. در غرب اوکراین ما با کاتولیک‌ها مواجه هستیم و در شرق آن با ارتودکس هایی که تابع کلیسای مسکو هستند. حتی به لحاظ نژادی مردمی که در اینجا هستند بیشتر روس‌تبار یا سنتا بیرن روس و اوکراین هستند و آن جمعیتی که در غرب هستند به نوع دیگری هستند. در تاریخ، ناسیونالیست‌های اوکراینی با تئوراها و مخصوصا با رژیم کمونیستی در زمان استالین مشکل داشتند. کشش و واکنش هایی که اینها به هنگام آمدن مثلا در دهه‌ی سی مثلا داشتند. کشش و واکنش هایی که اینها به هنگام آمدن در ۱۹۹۱ در مدتی است. این جریان شرایط زمانه‌ها را مقدار قابل توجهی عوض کرده است. آنچه من اشاره می‌کنم تا قبل از بحران اخیر و مساله اوکشن را در مقابل تجاوز اسرائیل است. تقریبا در ۷ محور موضوع را بررسی خواهیم کرد. موضوع دقیقا اینها و پیامدهای ژئوپلیتیکی برای جنگ غزه است. بنابراین درباره ابعاد و پیامدهای آن صحبت خواهم کرد. بعد می‌دهم دامه فرصت کنم حتی درباره نیمی از آن بدهد صحبت کنم. یک بحث‌هایی که اهمیت بیشتری دارد می‌پردازم و بعد در خدمت عزیزان خواهیم بود که اگر سوالی بود پاسخ دهیم.

چرا جنگ غزه ادامه پیدا کرد؟

بحث اول درباره این است که این جنگ علی‌رغم طوفان شدن، علی‌رغم وحشیانه بودن، عجیب است. در تاریخ معاصر جنگی به این کیفیت که در آن قتل‌عام انسی نعدد ان، کودک و خردسال، بیمارستان‌ها و نقاط غیرنظامی و حتی نقاطی که مربوط به کمک‌های انسان‌دوستانه است و تحمیل گرسنگی بر مردم، بی‌سابقه است. موقعی که مرد به معنای کامل بی‌دفاع و مرتب مورد بمباران هستند. بمباران مردم بی‌دفاع، غیرنسبت، منطقه غزه از نظر تراکم انسانی یکی از بالاترین تراکم‌های انسانی را در بین نقاط مختلف جهان دارد. این مقدار طوفانی که وجود وحشیانه‌ای که این اتفاق داده دادن و اینکه حتی توانلته جلوی آن را بگیرد و این جنگ به این کیفیت ادامه پیدا کرد، به‌دلیل است؟

جهان در قبل و بعد جنگ اوکراین تقسیم شده است

به‌طور خیلی خلاصه جنگ اوکراین جهان را به دو بخش قبل و بعد از این جنگ تقسیم می‌کند. یعنی جهان قبل از جنگ اوکراین به یک شکل است و بعد از جنگ اوکراین به شکل دیگری است. پیامدهای جنگ اوکراین بسیار زیاد است و در اینجا هدف بررسی این نکته است که جنگ اوکراین در بحران غزه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم چه تاثیری داشته است. در این چهارچوب نکته‌ای که در جنگ اوکراین وجود دارد این است که عملا جهان به دو بخش تبدیل شده است. یک بخش به عنوان غربی و مخصوصا آنگلوساکسونی و یک بخش غیرغربی که در راس آن روسیه و چین بود. جریانی که بخش غربی ایجاد کرد در بین مردم هادی و اراده‌گرای عمومی این را القا کرد که ما با دیگران متفاوت و در عین حال ما به عنوان غربی مورد تهدید هستیم و می‌بایست سازوکارهایی داشته باشیم که بتوانیم خود و تمدن خود و معیارهای خود را حفظ کنیم. این جریان هیچ زمان به این شدتی که بعد از جنگ اوکراین در افکار عمومی به وجود آمد نبوده است. این جریان در غرب غربی و مخصوصا آنگلوساکسونی یک احساس خاصی ایجاد کرد و این احساس خاص این بود که ما در مقابل روس‌ها هستیم، ما در مقابل چینی‌ها و هر کسی که متحد روس‌ها هستند و در حال حاضر خود محسوب‌بیرد؛ یعنی نه تنها محدور بیرد، بلکه احساس ناامنی و ترس هم می‌کرد. این موضوعی زمینه‌ای را در آنها ایجاد کرد که هر کس دیگری را بتواننند خود را به سازوکاری قرار دهند. در این جریان اسرائیل را درکنار خود احساس کردند، مخصوصا در ماه‌های اول و غزه و اهالی غزه و هر کسی در مقابل اسرائیل بود را بر ضد خود احساس کردند. به عبارتی یک جریان عاطفی، روانی و فرهنگی و هویتی شکل‌گیری بود. یک مثال رایبتان عرض کنم. موقعی که مهاجران در سوریه عازم اروپا شدند، حدود ۹۰۰ تا یک میلیون نفر به آلمان رفتند و آلمان دروازه‌های خود را بسوی این مهاجران بازگشاند. تعدادی از شهرهای آلمان که تعداد مهاجران در آن زیاد بود به خاطر مهاجران که همدی تزفه‌ای به مناسبت سال نو، برایشان روزهای تلخ جنگ رانداعی می‌کرد، به دلیل اقدامات انسان دوستانه آلمان بزاری را انجام ندادند. یعنی این آلمان بزاری که ایجاد سروصدایی بزاری می‌کرد انجام نشد. همین آلمانی‌ها در حال حاضر یعنی بعد از داستان اوکراین در بین اروپایی‌ها عملا درمجموع بیشترین حمایت را از اسرائیل می‌کنند. چندی پیش نیکارگوئه به خاطر اینکه آلمان دومین تامین‌کننده اسلحه برای اسرائیل است، از برلین به دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه شکایت کرد. البته این قطع مربوط به نظام جهانی تاثیر نیست. بخش قابل توجهی از افکار عمومی چنین حالتی دارد. به اصل موضوع برگردیم.

بنابراین بحران اوکراین هنگامی که ایجاد شد حتی تاثیری را در بین اروپایی‌ها آمریکایی‌ها و به‌ویژه آنگلوساکسون‌ها ایجاد کرد که شکل‌گیری نظم جدید خودشان هستند و دنیا را به دو غربی‌ها و غیرغربی تقسیم کردند. آن زمان غیرغرب روس‌ها چین‌ها بودند. که بحث مفصلی درباره چین است - اما این امکان بود که هر کس دیگری در حال حاضر مثلا مسلمانان به معنای عام کلمه یا عرب‌ها به معنای عام کلمه یا غزه‌ای‌ها به معنای عام کلمه بتوانند جانشین این کسانی که با آنها مقابله می‌کنند، بشوند.

فراگیری راست‌گرایی دینی در جهان

موضوع سوم راست‌گرایی دینی است. به دلایل خیلی فراوان و مختلف شاهد توسعه‌کمی و کیفی یعنی هم افقی و هم عمودی پدیده راست‌گرایی دینی در حال حاضر هستیم. تقریبا عموم ادیان شناخته شده این ویژگی را دارند. یکی از ادیان که در راس آنها مسیحی‌ها، یهودی‌ها و هندوها هستند و تا اندازه‌ای بودایی‌ها نیز هستند. اینکه به بحث خود برگردیم. هسته‌ی مرکزی دین در حال حاضر است که مهم‌ترین دین پرجمعیت‌ترین دین در حال حاضر است که مهم‌ترین شاخه آن کاتولیک‌ها هستند؛ ولی یک درصد مهمی از آنها پروتستان هستند که این آنها پروتستان‌های آمریکا هستند که معروف به اوانجلیسم هستند؛ دارای اهمیت خاصی هستند. به طور خلاصه این راه در کنار قبلی درباره راست‌گرایی دینی و غرب درباره مسیحیان انجیلی (اوانجلیست‌ها) مفصل صحبت کردم. نکته درباره اوانجلیست‌ها و جنگ غزه این است که اینها به دلایل مختلف اعتقادی، نه صرفا سیاسی، به شدت یهودی دوست، بلکه یهودی پرست هستند. بر همین اساس و چارت یک چین انتشاق دیدیم و بلکه اسرائیل پرست هستند. یعنی اصل این است که اینها حق هستند و ما باید در خدمت اینها باشیم و برای اینها فداکاری کنیم و صریحا تزبیان می‌کنند مخصوصا اوانجلیست‌های آمریکایی. این حرف رایبتان اینجا بگذارم تنه فلاح و رستگاری و به عبارتی دنیا و آخرت ما در صورتی تامین می‌شود که در خدمت قوم یهود و اسرائیل باشیم. این یک نوع اعتقاد است. نکته دیگر اینها عقیده‌ی معتقد هستند حضرت مسیح در صورتی ظهور می‌کند که یهودی‌ها در منطقه فلسطین جمع شوند و حتی خیلی از آنها معتقد هستند در صورتی ظهور می‌کند که آن معبد معروف که دو بار در زمان بابلی‌ها و رومی‌ها خراب شده برای بار سوم احیا و ساخته شود. لذا این جریان حتی گرایانه و رایبته ظهور مسیح که منجر به سروری آنها خواهد شد. در صورتی ظهور یک عده یهودیان در آنجا جمع شوند و آن معبد سوم ساخته شود. عموما معتقد هستند

ادامه در صفحه ۱۵

معبد سوم در مکانی است که در حال حاضر مسجدالاقصی قرار دارد. یعنی باید مسجد خراب و معبد روی این ساحته شود. اینکه چراینه این معتقد هستند و بیان الهیاتی آنها چیست بحث مفصلی است ولی اجمالا داستان این است که به شدت طرفدار اسرائیل هستند. یک‌ایراین افراد مایک پنس، معاون ترامپ است. او چندی پیش به اسرائیل آمد و روی گلوله‌های تویی که به جنوب لبنان شلیک می‌شد جمله دینی نوشت و امضا کرد که من هم در این جنگ شرکت دارم. پمپئو آمد و بآن سربازایی که به غزه برای کشتار می‌رفتند رقصید و با آنها آواز خواند. این جریان موضوع سیاسی نیست و جریان اعتقادی است؛ اگرچه بخش‌های سیاسی هم در خود دارد.

تشریح انواع یهودی

موضوع دیگر مربوط به راست‌گرایی یهودی است. یهودی‌ها سه بخش هستند؛ یکی یهودی‌های اشکنازی که خیلی به لحاظ نژادی یهودی نیستند، به‌این معنا که اینها به احتمال خیلی زیاد همان خزری‌های اطراف دریای خزر هاستند که بعدا یهودی شدند یلی نژادی یهودی نیستند. تعداد زیادی از اینها به اروپا مخصوصا اسرائیل رواهی دارند. یک قسم اینها هستند که مدعوم مقامات اسرائیل در طول تاریخ ۷۰ ساله آن همین اشکنازی‌ها هستند. نوع دم مفاری‌ها هستند که مخصوصا در اسپانیا و جنوب اروپا بودند. بعد از اینکه اسپانیائی مسلمان سوقه می‌کند، همانطورکه مسلمانان را مجبور می‌کنند اسپانیا را ترک کنند لذا راهم مجبور می‌کنند. تعدادی از آنها به شمال آفریقا و برخی به عثمانی آن زمان یعنی قدرتوترکیه می‌روند. یک قسمتی به شمال اروپا می‌رند. بخش سوم که یهودی‌های به معنای واقعی رشه‌دار هستند همان کسانی‌اند که در ایران هستند؛ در دوران کوروش به ایران می‌آیند و بعد از آن پیوسته در ایران بودند. این یهودی‌ها در بین‌النهرین نیز حضور دارند. البته بین‌النهرین از زمان بختی‌النصر تا امروز بسیار دست‌خوش تغییرات بوده است، یا احیانا در مصر هستند. در خاورمیانه عربی هستند. اینها یهودی‌های اصیل هستند که ریشه یهودی دارند. این یهودی‌های اصیل عملا بخشی از جامعه مسلمان اطراف خود بودند. یهودی‌های مفاردی - به اعتباری می‌توان گفت - غیراطرافی بودند. آنهایی که اطرافی بودند اشکنازی‌ها هستند و اینها در قرن نوزدهم یک بیان ناسیونالیستی خیلی تندی از خود و یهودی بودن خود پیدا می‌کنند که همان صهیونیسم یعنی ایدئولوژی صهیونیسم است. این ایدئولوژی پیوسته اطرافی تر می‌شود تا هنگام تاسیس اسرائیل که این ایدئولوژی در بخش دیگر یعنی مفاردی‌ها و یهودی‌های مقاطعه راهم تحت تاثیر قرار می‌دهد و مغزشویی می‌کند. حرف اینها چیست؟ اینها در حال حاضر حرف‌های عجیب و غریبی می‌زنند. فرض کنید برخی از خاخام‌های طرازاول اسرائیل صریحا بیان می‌کنند که اشکالی ندارد بچه رابکشید، چون اگر این بزرگ شود در آینده شما را خواهد کشت؛ بنابراین الان کشتن این بچه‌ها یعنی جلوی آن را می‌گیرد. حتی در مورد کشته شدن زن‌ها می‌گوید این خاخام این احتمال را دارد فرزندی به دنیا بیاورد که این بچه در آینده دشمن من شود. بنابراین کشتن او به عنوان مقدمه‌ای که لازم است، مشکلی ندارد و باید انجام شود. یک بیان فوق‌العاده عجیب و غریبی است. این نوع راست‌گرایی خیلی غیرقابل هضم است. درحال حاضر بخشی از یهودی‌ها، چه در اسرائیل و چه در خارج از اسرائیل، بدان مبتلا شده‌اند. این یک نوع راست‌گرایی نامفهم است و این جریان حتی هندوها را نیز تحت تاثیر قرار داده است و راست‌گرایی هندویی به شدت ضد مسلمان هند، یعنی هموطنان خودشان است. خشونتی که در جنگ غزه رخ داده، یک ریشه مهمش به راست‌گرایی دینی مرتبط است.

جهان از ادامه جنگ غزه چه نفعی می‌برد؟

تاکنون سه بند رایبتان کردم. آنهایی که مانده به صورت خیلی مختصر بیان خواهم کرد. شرایط در جریان غزه به چه صورت است؟ بدون اینکه به دلایل مختلف بپردازم، برخی از کشورهای عربی در حال حاضر آینده خود و نفع خود و پایداری خود را در حضور اسرائیل و رابطه عادی با اسرائیل می‌بینند و در مقابل، این یک قضیه است. نکته بعدی این است که یک تعدادی از رژیم‌ها و احزاب و گروه‌هایی که وجود دارند به‌ویژه گروه‌های مذهبی اگرچه ظرفدار غزه هستند اما خواهان این نیستند که برنده این جنگ در غزه یعنی گروه‌های مقاومت شوند. به دلایل مختلف از این جریان ناراضی هستند و این هم مساله دیگری است ولی قابل انکار هم نیست. یک بخش قابل توجهی با اراده خود جریان غرب به هم سیمانی و گرایش سنی هم مساله غزه دارند و هم اینکه احساس ترس و احساس نگرانی نسبت به گروه مقاومت ندارند. شاید پیچیده‌ای است. به آن کیفیتی که احیانا خیلی از برادران در ایران تلقی می‌کنند نسبت به مساله پیچیده‌ای در جهان عرب در حال حاضر حاکم است که هیچ‌گاه درگذشته چنین شرایطی وجود نداشته است.

موضوع بعدی راست‌گرایی دینی است. یک بحث مفصلی درباره راست و اینکه این موقعیت داخلی و ویژگی‌های کشور چه نوع ارتباطی با موضوع غزه دارد، به طور خلاصه اسرائیل در ۷۰ دهه ۷۰ به بعد یعنی دهه ۷۰ قرن بیستم، بعد از آمدن رومی‌ها خراب شد، یعنی بازسوم احیا و ساخته شد. لذا این جریان حتی گرایانه رویایی - سیاسی اینچنین است و الان به بالاترین سطح رسیده است. این جریان ادامه هم خواهد داشت. این ویژگی که در اسرائیل وجود دارد؛ چگونه سیاست خود را تنظیم می‌کند، چگونه سیاستش را در قبال فلسطینی‌ها در غزه و یا کرانه یا حتی تنظیم می‌کند، بحث مفصلی است. اسرائیل منهای این جنگ در شرایط خیلی ناپایدار است به عملاقدرت پرسوصدا و تاثیرگذار مربوط به راست‌گرایان دینی و در عین حال سیاسی است.

موضوع بعدی مساله افکار عمومی و تاثیر و تاثر آن از داستان غزه است. این دارای چه نتایجی بر سرنوشت جنگ است. اجازه دهید این را توضیح ندهم، چون هم موضوع مهمی است و هم موضوع مفصلی است.

گذار جهان به شرایط خطرناک

بالاخره موضوع آخر این است؛ جهان در حال گذار که یک جهان خیلی خطرناک در حال حاضر است. یک جمله را قول خیلی از عالمان بیان کنم که می‌گویند والی سنمگر بهتر از هرج‌ومرج و فتنه‌ای است که مدام باشد با قانون بد بهتر ازبی‌قانونی است.» البته در زبان لاتین هم اصطلاحی وجود دارد که چنین حرفی را تداعی می‌کند. یعنی عموم ملت‌ها این را دارند. در حال حاضر نظام بین‌الملل در معنای عام کلمه هیچ ناظم و مبصر و حاکم ظالمی ندارد و یک وضع خطرناک حتی در جایی مثل آمریکا که قبلاتک قدرت و تک قطب بود ایجاد شده است. به نوبتی آدمی مثل ترامپ و طرفداران او در آنجا ایجاد کرده‌اند و راست هستند، عملا سیاست خارجی دولت موجود آمریکا را دچار مشکل و چالش کرده است. این بدین معنا نیست که اینها حسن نیت دارند، ولی در آنجایی که می‌خواهند اثر گذارند یک شرایطی است که به لحاظ داخلی توان آن را ندارند. چند هفته گذشته بود که در یکی از نشست‌های ترامپ طرفداران او فریاد می‌زدند: «جو؛ یعنی اسم کوچک بایدن را می‌گفتند و منظورشان این بود که تسلیحی یهودیان در اسرائیل توسط او انجام می‌شود. به هر صورت جهان در حال گذار به جهانی سخت و خطرناک است.

در جهان در حال گذار هستیم و با توجه به تاثیر این جهان در حال گذار با توجه به جنگ غزه آیا ما در آستانه درقطبی یا نظم چندقطبی هستیم که روسیه، چین و آمریکا آن را می‌سازند یا شاهد نظم دیگری در آینده خواهیم بود؟

به نظر من ساز خیلی مانده؛ ما به نظم نوینی برسیم. علت این است که چین به شدت محافظه‌کارانه جلو می‌آید و به هیچ عنوان نمی‌خواهد خود را به عنوان یک قطب معرفی کند یا اینکه ظرفیت های قطب بودن را دارد. نکته دیگر این است که قطب یعنی ترکیبی بین روسیه و چین است. این ترکیب در درون خود شکننده‌گی دارد؛ برای اینکه این دو هم به لحاظ تاریخی و هم در حال حاضر با اینکه جنبه‌های مکملی دارند، ولی آن نوع انسجامی که در قطب غربی وجود دارد بین این دو کشور نیست. به هر صورت به لحاظ تاریخی که به عنوان قطب بزرگ است، بعید است به نوعی ثبات سیاسی آن طور که در دهه ۸۰ در زمان ریگان و در زمان نیکسون و حتی در زمان بوش پدر داشته است، و به انسجامی برسد. رفتار ترامپ و طرفداران او را ببینید در واقع همانجا شکن‌اند، حرف‌ها و کارها و اقدامات و حتی خواسته‌های آنها خیلی عجیب است. نه تنها هنجارشکن هستند بلکه عملا قانون‌شکن هستند. یک نوع سرکشی نسبت به همه چیز دارند. با این نمی‌توانند یک انسجام داخلی را ایجاد کنند. اینکه ما به نظمی در آینده برسیم خیلی صریح نخواهد بود و عمدتا دو قطب بزرگ دارد؛ اگرچه ممکن است قطب‌های کوچک‌تر دیگر مثل برزیل، هند و غیره نیز پیدا شوند. مشکل من توان پیش‌بینی کرد که به سرعت به یک نظمی برسیم.

بحثی درخصوص طوفانی شدن این جنگ و جنایات اسرائیل داشتید، این نظم اگرچه تضعیف شده ولی سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی که مبتنی بر نظم دیدگاه آمریکا شکل گرفتند، نتوانستند مانع طوفانی شدن جنگ غزه و جنایات اسرائیل شوند. جایگاه سازمان‌های بین‌المللی را چطور می‌بینید؟ شکایت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل دراین‌باره داشتیم که آمریکا و اسرائیل مسبب شد ولی در عمل نتوانستند مانعی ایجاد کنند. جرایین سازمان‌ها نمی‌توانند از حقوق مردم مظلوم فلسطین حمایت کنند؟

سازمان‌های بین‌المللی در درأس این شورای امنیت درصورتی برش دارد که پشتوانه داشته باشد. آن پشتوانه‌ها چیزی است که به عنوان نظم بین‌المللی عنوان کردم. قبلاد و قطب آمریکا و شوروی وجود داشت و اینها دودرون خود منسجم بودند و می‌دانستند چه چیزی می‌خواهند و همچنین هم‌ترازبودند. یعنی سوم بحث که بحث‌های ما در معنای واقعی رشه‌دار هستند همان کسانی‌اند که در ایران هستند؛ در دوران کوروش به ایران می‌آیند و بعد از آن پیوسته در ایران بودند. این یهودی‌ها در بین‌النهرین نیز حضور دارند. البته بین‌النهرین از زمان بختی‌النصر تا امروز بسیار دست‌خوش تغییرات بوده است، یا احیانا در مصر هستند. در خاورمیانه عربی هستند. اینها یهودی‌های اصیل هستند که ریشه یهودی دارند. این یهودی‌های اصیل عملا بخشی از جامعه مسلمان اطراف خود بودند. یهودی‌های مفاردی - به اعتباری می‌توان گفت - غیراطرافی بودند. آنهایی که ا